

مناسبات دین و سیاست در تفکر و سیره عملی آخوند خراسانی باتاکید بر نقد شبّهات

دکتر روح الله شاکری زواردهی*
علیرضا استادیان خانی**

چکیده

سوالی اصلی این پژوهش این است که آیا شبّهات ادعایی اکبر ثبوت به آخوند خراسانی صحت داشته و قابلیت استناد دارد؟ بر این اساس، این پژوهش چگونگی روایت مطالب، ارتباط این نوع مطالب با نوع متون متقن مستند و ارتباط با نوع رفتار و کنش سیاسی صادره از آخوند خراسانی و کیفیت مطالب ایراد شده با زمینه و زمانه زیستی و اجتماعی آخوند با رویکرد توصیفی تحلیلی و از میان داده‌های کتابخانه‌ای بررسی می‌شود. نتیجه این پژوهش عدم صحت استناد مطالب ادعایی اکبر ثبوت به آخوند خراسانی بوده و اینکه وی یکی از شخصیت‌هایی است که در حوزه فکر و عمل به اندیشه ولایت فقیه گرایش دارد.

واژگان کلیدی

آخوند خراسانی، علی اکبر ثبوت، ولایت فقیه، حکومت، سیاست.

شرح مسئله

یکی از مسئله‌های مورد توجه و بحث و نظر در طول سال‌های اخیر، اندیشه سیاسی فقیهان شیعه

shaker.r@ut.ac.ir

Ostad1363@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱/۲۵

*. استادیار پردیس فارابی دانشگاه تهران

** . دانشجوی دکتری انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۴

بوده است که در این میان اندیشه سیاسی ملا محمد کاظم خراسانی (هروی) معروف به آخوند خراسانی^۱ و صاحب کفایه (کفایة الاصول) به دلیل جایگاه علمی و نقشی که در مقطع حساس دوران مشروطیت در تاریخ ایران داشته است، مورد مناقشه جدی قرار گرفته است؛ مناقشه‌ای علمی که با حضور یک متن ادعایی به آخوند از سوی آقای اکبر ثبوت^۲ بحث‌ها را وارد فاز دیگری کرد تا محققان در دو حوزه بررسی سند مطالب و پاسخگویی به شبهات ادعایی فعال شوند.

مساله اصلی تحقیق پیش رو بررسی صحت استناد شبهات مطروحه از سوی اکبر ثبوت به آخوند خراسانی است که در چند بخش به نقد و بررسی آن پرداخته‌ایم.

مدعای این مقاله این است که این شبهات ساخته و پرداخته ذهن علی اکبر ثبوت بوده که از منظر تاریخی و جامعه‌شناسی به نقد حاکمیت فقه و فقیهان پرداخته است و نهایت مطلب این است که این مطالب بر فرض استناد در عالم ثبوت به آخوند خراسانی، توانایی اثباتی ندارد.

ما در این مقاله در صدد هستیم تا انتساب این سخنان به آخوند خراسانی را بررسی کنیم که برای این مهم اشکالات شکلی در بحث سند و اشکالات علمی و محتوایی مطرح شده است.

روش تحقیق در این پژوهش اسنادی - کتابخانه‌ای با رویکرد توصیفی تحلیلی است و کتابها، اسناد و مدارک و مطبوعات مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

تاریخچه و چگونگی روایت مطالب

در آخرین سال‌های دولت اصلاحات بود که ماهنامه «آفتاب» به مدیر مسئولی عیسی سحرخیز در

۱- ملا محمد کاظم خراسانی (هروی) (۱۲۵۵ قمری برابر ۱۲۱۸ خورشیدی، مشهد - ۱۳۲۹ قمری برابر ۱۲۹۰ خورشیدی، نجف) مشهور به آخوند خراسانی و صاحب کفایه (کفایة الاصول)، که پس از درگذشت میرزای شیرازی، مرجعیت عامه شیعه را بر عهده داشت.

(گلشن ابرار، خلاصه‌ای از زندگی اسوه‌های علم و عمل از ثقة الاسلام کلینی تا آیت الله خامنه‌ای، جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، زیر نظر: پژوهشکده باقرالعلوم β وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی، نشر معروف، قم (۱۳۸۴).

۲- اکبر ثبوت متولد ۱۳۲۴ خورشیدی در تهران، استاد دانشگاه و پژوهشگر تاریخ و فلسفه اسلامی است. ثبوت یکی از پژوهشگران حوزه تاریخ و حکمت اسلامی و مشاور گروه فلسفه بنیاد دائرةالمعارف اسلامی است.

<http://rch.ac.ir/person/profile?id=۵۷۱>

اکبر ثبوت، که خود از بستگان آقا بزرگ تهرانی، شاگرد آخوند خراسانی است، در کتابی مفصل با نام «دیدگاه‌های آخوند خراسانی و شاگردانش» مدعی شد که وی در دیدارهایی که با آقابزرگ تهرانی داشته، نظراتی از مرحوم آخوند خراسانی از جمله در ارتباط با ولایت فقیه و حاکمیت فقیهان بر جامعه، از او شنیده و ثبت کرده است.

نوشته‌ای به قلم مصطفی تاج زاده، مدعی شد آخوند خراسانی^۱ در گفتگویی خصوصی که با شاگردش میرزای نائینی^۲ داشته و شاگرد جوانش آقا بزرگ تهرانی ناظر آن بوده است، نسبت به عواقب ورود روحانیت در مسائل حکومتی و اجرایی هشدار داده و با حکومت روحانیون مخالفت کرده است. البته تاج زاده نام راوی را ذکر نکرده و از وی با عنوان «دوستی فاضل» یاد کرده بود. بعدها مشخص شد که این «دوست فاضل»، اکبر ثبوت؛ نوه برادر شیخ آقابزرگ است. در مقاله تاج زاده به شش ایراد منسوب به آخوند خراسانی در نقد تشکیل حکومت روحانیون اشاره شده بود.^۳

در سال ۱۳۸۴ محسن کدیور در مقاله‌ای با ذکر نام اکبر ثبوت به چهار ایراد جدید دیگر اشاره کرد.

در سال ۱۳۸۶ کتابی با عنوان *حیات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آخوند خراسانی* به کوشش محسن دریابیگی از سوی انتشارات موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی منتشر شد که مجموعه مصاحبه‌هایی درباره آخوند خراسانی، به همراه برخی مقالات در آن درج شده بود. یکی از مصاحبه‌ها، مصاحبه با آقای اکبر ثبوت بود. وی در این مصاحبه، ضمن معرفی خود و شیوه تحقیق و نگارش دیدگاه‌های آخوند خراسانی و ملاقات‌هایش با شیخ آقابزرگ تهرانی، به ذکر مطالبی درباره مشروطه و آخوند خراسانی پرداخت. پس از درج مصاحبه، بخشی از کتاب تفصیلی و در دست تدوین آقای ثبوت، درباره دیدگاه‌های سیاسی آخوند خراسانی درج شده است که در قسمتی از آن، از پاسخ‌های آخوند به انتقاد یکی از علمای مخالف مشروطه سخن به میان آمده و دو نقد از سوی آخوند به برقراری حکومت اسلامی و حاکمیت سیاسی فقیهان مطرح شده است.^۴

این کتاب که مجموعه از مصاحبه‌ها و به صورت شفاهی تنظیم شده است دارای اغلاط فراوان

۲- میرزا حسین نائینی، شیخ الاسلام محمدحسین غروی نائینی منوچهری اصفهانی زاده ۲۶ خرداد ۱۲۳۹ (۲۷ ذی‌قعدة ۱۲۷۶) در نائین [۱] - درگذشته ۲۳ مرداد ۱۳۱۵ (۲۶ جمادی‌الاول ۱۳۵۵) در نجف مرجع تقلید شیعه بود. وی از ملازمان میرزای بزرگ شیرازی در سامرا بوده که در سال ۱۲۷۸ خورشیدی (۱۳۱۴) پس از مرگ استادش به نجف رفت و از شاگردان محمدکاظم خراسانی (آخوند خراسانی) شد و سال‌ها در کنار او به فعالیت پرداخت.

محمدحسین نائینی، مقدمه تنبیه الامه و تنزیه المله . تصحیح سید جواد ورعی. چاپ اول. قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۲. صفحه ۱۱ - ۱۲.

۳- ماهنامه آفتاب، اردیبهشت ۱۳۸۲ شماره ۲۵

۴- حیات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آخوند خراسانی، به کوشش محسن دریابیگی، انتشارات موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، تهران، ۱۳۸۶، ص ۵۰۹ - ۶۰۴

املائی، فهرست مغشوش و خالی از بسیاری از مستندات لازم روانه بازار شد. سال ۸۷ بود که برخی منابع خبری بدون آنکه از محتوای کتاب علی اکبر ثبوت مطلع باشند از قریب الانتشار بودن کتابی تحت عنوان «آخوند خراسانی و شاگردانش» از سوی انتشارات طرح نو در مجموعه پیشروان فرهنگ ایران خبر دادند.^۱

این کتاب که اجازه‌ی چاپ گرفته بود اما بعدها وزارت ارشاد اجازه چاپ کتاب را نداد ولی نسخه‌های کتاب بر روی سی دی منتشر و به صورت جزوه کپی شده بدون اخذ مجوزهای لازم منتشر شد.

در سال ۱۳۸۸ هم جزوه‌ای با عنوان «آراء آخوند خراسانی صاحب کفایة الاصول پیرامون تشکیل حکومت اسلامی» تکثیر و پخش شد که این جزوه به عنوان بخشی از کتاب تفصیلی در دست انتشار آقای اکبر ثبوت درباره دیدگاه‌های آخوند خراسانی و شاگردانش معرفی شد. در این جزوه آقای علی اکبر ثبوت، به نقل از آقابرگ تهرانی پیشنهاد میرزای نایینی را به آخوند خراسانی، درباره تغییر موضع از مشروطه خواهی به حاکمیت ولایت فقیه و متقابلاً پاسخ‌های آخوند، در نقد این ایده مطرح کرده است.

در یک جمع‌بندی کلی می توان گفت که سیر روایت آراء و نظرات آخوند خراسانی پیرامون حکومت فقیه و فقیهان پس از حدود یک قرن از درگذشت آخوند خراسانی از سال ۸۲ و به صورت قطره چکانی صورت گرفته و تا به امروز ادامه دارد. ایراداتی که تا سال ۸۸ در بیست و یک شبهه جمع شده است اما با توجه به تاریخچه انعکاس آن بعید است که در طول زمان فربه‌تر نشده و بر تعداد شبهات منسوب به آخوند خراسانی افزوده نشود!

در مقال ذیل در چند بخش به بررسی جهت صدوری و استنادی شبهات ثبوت می‌پردازیم:

۱. بررسی سندی و کیفیت نقل مطالب

علی اکبر ثبوت مطالب منتسب به آخوند خراسانی را در حدود یک قرن پیش را در حالی منتشر کرده است که قبل از آن هیچ فردی چنین سخنانی را از قول آخوند خراسانی نقل نکرده است و در حدود یک قرن که عمده بحث‌های فقه سیاسی شیعه در آن شکل گرفته است و کیفیت حکومت و حکمرانی از منظر اسلامی بحث و بررسی شده است و دو انقلاب مهم متأثر از فقه شیعه یعنی مشروطه و انقلاب اسلامی رخ داده است، اثری از این بحث نبوده است. مضاف بر اینکه خود علی

۱ - <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=۸۷۰۶۰۵۰۶۹۱>

اکبر ثبوت هم ادعایی مبنی بر ثبت و ضبط این مطالب در نسخ خطی یا ... را نداشته و هیچ مدرکی دال بر ثبت و ضبط آن نیست و بر اساس ضوابط فقه و حقوق اسلامی "البینه علی المدعی" یعنی فرد مدعی باید دلیل بیاورد که سخنش درست است و در صورت عدم ارائه دلیل، سخن صرف ادعا بوده و هیچ قابلیت استنادی ندارد.

اضافه بر اینکه همین مطالب مطرح شده و منتسب به آخوند به دو شکل مطرح شده است، در یک گزارش آمده است: در گیر و دار مبارزه با استبداد و کوشش برای استقرار مشروطه، **یکی از علمای مخالف مشروطه** نزد آخوند رفته و تلاش می‌کند که ایشان را متقاعد به جدانشدن از مشروطه طلبان نماید. او، از آخوند سؤال می‌کند که: آیا شما با اجرای قوانین شرع و حاکمیت شریعت مخالفید؟ پس از آنکه آخوند با تعجب جواب منفی داده بود، آن عالم گفته بود: اگر مخالف نیستید، پس چرا از حکومت مشروطه طرفداری نمی‌کنید و حتی اقدامات مشروطه طلبان را تخطئه می‌کنید؟ مرحوم آخوند در ضمن پاسخ بسیار مفصل خود، می‌گوید: ...

و در گزارش دیگر مخاطب بحث میرزای نائینی، مطرح می‌شود که:

... مرحوم میرزای نائینی که سابقاً شاگرد و منشی میرزای بزرگ شیرازی و در گیرودار مشروطه عضو ارشد مجلس فتوای آخوند خراسانی بود، به مرحوم آخوند پیشنهاد کرد برای رفع اختلاف موجود میان ایشان و سید محمد کاظم یزدی، ایشان از تأیید حکومت مشروطه صرف نظر کنند و به جای آن، برپایی حکومت اسلامی را وجهه همت خود قرار دهند و اداره حکومت را نیز خود برعهده گیرند. مرحوم نائینی برای ترغیب مرحوم آخوند خراسانی به قبول پیشنهاد خود، موضوع ولایت فقیه را پیش کشید و چون خود از معتقدان جدی نظریه ولایت فقیه بود، دلایل متعدد عقلی و نقلی و نصوصی را که در این مورد می‌شناخت، به تفصیل بیان کرد و چندان در این باب داد سخن داد که شاید هیچ یک از شنوندگان گمان نمی‌کرد ایرادی بر سخنان و پیشنهادهای او بتوان گرفت.^۵ مرحوم آخوند خراسانی، در مقام پاسخ‌گویی برآمد و در جلسات متعدد، به تفصیل در حول و حوش حکومت دینی و حکومت طبقه روحانی گفت و گو کرد و پس از رد استدلال‌های نقلی و عقلی میرزای نائینی، از جمله اظهار داشت:

بیانات و استدلال‌های شما، اگر هم به لحاظ نظری درست باشد و فرضاً ما برای قبول نظریه شما، حتی نظریه شیخ الطائفة و شیخ اعظم (شیخ انصاری) را رد کنیم و ایرادات ایشان و بسیاری از فقهای بزرگ را بر نظریه‌ای که شما پذیرفته‌اید، ندیده بگیریم، ولی با مشکلاتی که در مرحله عمل، گریبان ما را می‌گیرد، چه کنیم؟

مگر نمی‌دانید که قبول پیشنهاد شما و سپردن حکومت به دست علمای دین، تبعات نامطلوبی دارد که اگر راهی برای گریز از آن تبعات پیدا نکنیم، ضررهای عمل به این پیشنهاد، بسیار بیش از منافعش خواهد بود؟»

علی اکبر ثبوت اظهار داشته است آقا بزرگ تهرانی سخنان آخوند خراسانی را به صورت شفاهی برای او نقل کرده است و او هم بعد از چند سال آنچه به ذهنش می‌رسیده است را جمع‌آوری کرده است؟ که اینجا سوال‌های متعددی مطرح می‌شود که هنوز بی‌پاسخ مانده است؟ چگونه بوده است که آخوند خراسانی با توجه به جایگاه علمی و اجتماعی‌ای که داشته است خود در تریبون‌های عمومی و خطابه‌ها و نامه‌ها و مجالس درسی و ... این نظرات را بیان نکرده است؟ چگونه شیخ آقا بزرگ که ید طولایی در نوشتن رساله‌ها و کتب دارد این مطالب را که عصاره دیدگاه سیاسی یک فقیه متنفذ سیاسی است مکتوب نکرده است؟ چگونه است که براساس یک نقل که آخوند خراسانی این مطالب را در جواب سوال میرزای نائینی بیان کرده است، میرزا در جایی از کتب و سخنرانی‌ها هایش به این مطالب استناد نکرده است؟ چگونه است که هیچ فردی از شاگردان آخوند خراسانی به نقل این مطالب مبادرت نکرده است و تنها از طریق آقا بزرگ تهرانی آن هم تنها از طریق علی اکبر ثبوت منتقل شده است؟

به علاوه اینکه اکبر ثبوت، مطالب یادشده را که ضمن گزارش بسیار مفصلی و همراه جزئیات بسیار (روایات، اشعار، ضرب‌المثل‌ها، اسامی، رویدادهای تاریخی و ...) است، در دهه‌ی ۱۳۴۰، از شیخ آقا بزرگ شنیده و نوشته است و بر اساس اعتراف خود ایشان، در سال ۱۳۸۱، در گفت‌وگو با بعضی از افراد، سخن به آخوند خراسانی و مشروطیت کشیده شد. این مسئله در ادامه سبب شد مقداری از پیش نویس مقاله‌ای که در سال ۱۳۵۹، نوشته بود، پیدا شود. این گونه، طرح اولیه‌ی کتاب "دیدگاه‌های سیاسی اجتماعی آخوند خراسانی و شاگردانش فراهم آمد که مطالب و گزارش‌های ذکر شده، بخشی از مطالب آن نوشتار تفصیلی است.

پرسش این است که چه میزان می‌توان به چنین گزارش تفصیلی که تمامی آن جنبه نقلی و تاریخی دارد و آیات، روایات، اشعار و ضرب‌المثل‌های بسیاری در آن ذکر گردیده و از سوی دیگر بسیاری از آن از بین رفته و دوباره بازسازی شده است، اعتماد کرد؟ با توجه به آنکه ثبوت، بر این نکته تأکید می‌کند که «هیچ نکته‌ای و حتی هیچ مستندی اعم از آیه و روایت و شعر و ضرب‌المثل و ... بر محتوای آنچه از شیخ آقابزرگ (و بزرگان دیگری که نام برده‌ام) شنیدم، نیفزودم».

به سخن دیگر لازمه‌ی پذیرش گزارش ثبوت آن است که اولاً بپذیریم شیخ آقابزرگ حافظه‌ی

خارق العاده‌ای داشته که پس از گذشت بیش از پنجاه سال (حدود ۱۲۸۶ تا حدود ۱۳۴۰)، مطالب و گفته‌های تفصیلی آخوند در جلسات گوناگون را همراه جزئیات حتی ضرب المثل‌ها، اشعار، اسامی افراد و اماکن و نقل‌های موردی تاریخی که در بیانات آخوند مطرح شده همچون یک ضبط صوت در خاطر سپرده و بدون استناد به یادداشت و صرفاً به کمک حافظه، برای آقای ثبوت نقل کرده است؛ ثانیاً آقای ثبوت نیز چنین حافظه‌ی محیرالعقولی دارد که پس از گذشت حدود چهار دهه و با وجود از بین رفتن بسیاری از نوشته‌های نقل شده، باز هم با جزئیات تمام، آن مطالب را در خاطر نگه داشته است!^۱

جالب تر این است که جناب ثبوت در جلسات مناظره‌ای که در سال ۱۳۹۶ داشته‌اند و در جاهای دیگر تلاش کرده‌اند این ضعف استناد را با تایید شفاهی محتوای کتاب توسط برخی از علما اشاره کرده و اظهار داشته‌اند: آیت الله گرامی، آیت الله کفایی خراسانی و علامه حکیمی از اقدام او تشکر کرده‌اند. این در حالی است که هیچ کدام از این آقایان، دلیلی بر صحت استناد این کتاب نقل نشده و این در حالی است که بسیاری از علما از جمله مراجع معظم تقلید نسبت به صحت سند و نسبت دادن این مطالب به آخوند خراسانی تردید کرده و بلکه هشدار داده‌اند که می‌توان به حضرات آیات صافی گلپایگانی^۲ و موسوی اردبیلی اشاره کرد.

آیت الله موسوی اردبیلی در واکنش به ادعایی اکبر ثبوت بیان داشتند: این مطالب از دو لحاظ قابل تشکیک و خدشه است. اول جهت آن، نبودن سند قوی و درست در این قبیل نقل قول‌هاست؛ یعنی یک شخصی (اکبر ثبوت) مطالبی را که یک برداشت از خود است با ادعای نقل از آقا بزرگ تهرانی به آخوند خراسانی نسبت داده است و بسیار بعید است که آخوند خراسانی این مطالب را گفته باشد. جهت دوم تضعیف قضیه، این است که مطالب ادعا شده به گونه‌ای است که گویی شخص آخوند در تمام وقایع انقلاب اسلامی ما حاضر بوده است و همه چیز را به لحاظ عینی و به صورت ملموس مشاهده کرده است؛ در حالی که تصور ذهنی با واقعیت‌ها بسیار فاصله دارد و انسان تا در جایگاهی واقع نشود، اغلب در حوادث، آن جایگاه را درک نخواهد نمود. لذا تحقیق مناسبی در مورد این نوشته‌های منسوب به آخوند و صحت و سقم آن – که البته جهت کذب آن واضح‌تر است –

۱. حاکمیت سیاسی فقیهان از دیدگاه آخوند خراسانی، علیرضا جوادزاده، موسسه آموزشی و پژوهشی امام

خمینی (ع.ج) و مجله (نشریه) حکومت اسلامی شماره تابستان ۱۳۸۹ – شماره ۵۶

۲. در دیدار معظم له با برگزارکنندگان کنگره آخوند خراسانی، ویژه نامه، ص ۵۹

ضروری می‌نماید.^۱

۲. تعارض با محکمت‌سختن آخوند خراسانی در کتب قطعی الصدور

کتب و نامه‌هایی از آخوند خراسانی وجود دارد که نگاه اخوند را به حاکمیت اسلام مثبت نشان داده و از سوی دیگر مطالبی شفاهی وجود دارد که متعارض و منافی با آن است که با توجه به اصول عقلی و باید آنچه را قطعی الصدور و یا قوی‌تر است مقدم داشت. بنا بر منابع اصولی شیعه و اهل سنت، (از آنجا که اصول فقه راهکاری برای فهم بهتر نصوص است و به شدت متأثر از مکانیسم‌های عقلی و عرفی است) در فرض بحث هم وقتی هرگاه یکی از دو دلیل متعارض از وجوهی خاص بر دلیل دیگر مزیتی داشته باشد، به نظر مشهور و حتی اجماعی فقها باید آن دلیل را بر دیگری ترجیح داد و دلیل دیگری را رها کرد.^۲

برای روشن‌تر شدن بحث به سراغ تعارض سخنان قطعی الصدور آخوند خراسانی در کتب و نامه‌های ثبت شده وی و منابع مشکوک الصدور که همان نقل منحصر به علی اکبر ثبوت است، مراجعه می‌کنیم.

بر اساس جزوه منتشره ثبوت، آخوند خراسانی در تشکیل حکومت دینی این اشکال را دارد که:

(ما و علمای دیگر تا وقتی از بیرون به تشکیلات حکومت نگاه می‌کنیم و به درون آن تشکیلات قدم نگذاشته‌ایم، فسادها و کاستی‌هایی را که در تشکیلات است به وضوح می‌بینیم و به راحتی با آنها مبارزه می‌کنیم. اما وقتی خود وارد تشکیلات شدیم، فسادها و کاستی‌های آن را به وضوح نمی‌توانیم ببینیم. زیرا در آن هنگام، تشکیلات منسوب به ماست و ما منسوب به آن هستیم و هر

۱. دیدار معظم له با برگزار کنندگان کنگره بزرگداشت آخوند خراسانی، ویژه‌نامه این همایش، پاییز ۱۳۹۰

۲. مراجعه کنید به کتب شیعه همچون:

حسن بن یوسف علامه حلی، تهذیب الوصول الی علم الاصول، ج ۱، ص ۲۷۸، چاپ محمدحسین رضوی کشمیری، لندن ۱۴۲۱/۲۰۰۱.

بوالقاسم بن محمدحسن میرزای قمی، القوانين المحکمة، ج ۲، ص ۲۷۱، ج ۲، چاپ احمد مؤید العلماء، چاپ سنگی (بی جا) ۱۳۱۹.

و کتب اهل سنت همچون:

محمد بن محمد غزالی، المستصفی من علم الاصول، ج ۲، ص ۴۷۲، چاپ محمدسلیمان اشقر، بیروت ۱۴۱۷/۱۹۹۷.
عبدالعزیز بن احمد بخاری، کشف الاسرار عن اصول فخرالاسلام البزدوی، ج ۴، ص ۱۱۰، بیروت ۱۴۱۸/۱۹۹۷.

کسی، همان طور که دیدن عیوب دیگران و عیوب تشکیلات دیگران - خصوصاً اگر مخالفان او باشند - برایش آسان است، دیدن عیوب خود و تشکیلات خود و وابستگان خود برایش دشوار است. ...

کذلک زینا لکلّ امه عملهم (به این گونه کار هر قومی را در نظر ایشان آراسته گردانیدیم).

ما که همیشه باید پیشروان مبارزه با فسادها و خصوصاً فسادهای تشکیلات حکومتی باشیم، تبدیل می‌شویم به قوی‌ترین عامل برای جلوگیری از مبارزه با فسادها و حتی دفاع از فسادها. با این مقدمات، عقل اقتضا می‌کند که بگوییم دخالت در امور سیاسی، اگر به معنای مراقبت و نظارت بر کار حکومت و مبارزه با فسادهای موجود در آن باشد، از اوجب واجبات و اهمّ فرایض برای ماست، ولی اگر به معنای اشتغال عامه مناصب حکومتی باشد، چنین امری با معنای اول قابل جمع نیست و در مقام تراحم میان این دو معنا و عدم امکان جمع، بنابر اصل «الاهمّ فالاهمّ»، و برای این که بتوان اولی را نگاه داشت، بلاشک باید دومی را رها کرد و به حدیث ابن عباس عمل کرد: «اتق خیرها بشرّها و شرّها بخیرها». (از خیر آن بگذر که شری در پی دارد و شر آن را با خیرش بسنج تا ببینی که شر آن بیش از خیرش است.)

باری این تصور که اصلاح امت منوط به حاکم بودن ما و فساد آن معلول عدم تفویض حکومت به ماست کاملاً نادرست است)^۱

این در حالی است که بر اساس مستندات تاریخی دقیق، آخوند نظر متفاوتی در حوزه ولایت فقیهان و تشکیل حکومت اسلامی دارد؛ بسیاری از فقها از جمله آخوند خراسانی برای فقیه دارای شرایط، سه جایگاه را ذکر کرده‌اند:

الف) افتاء: بیان و تبلیغ احکام الهی؛ ب) قضا: داوری در میان مردم؛ ج) ولایت: رهبری سیاسی و اجتماعی مردم.

برای هر یک از سه مقام یاد شده دلایلها، شرطها و ویژگیها، قلمروها و احکام و آثاری وجود دارد.

آخوند خراسانی از دو راه به بحث اثبات ولایت عامه فقیه پرداخته است: الف) روایات؛ به ویژه

۱. سخنان آخوند خراسانی دربار آسیب‌های تشکیل حکومت اسلامی در گفتگو با میرزای نائینی نقل شده از اکبر ثبوت

مقبوله عمر بن حنظله؛ ب) حسبه و قدر متیقن، به معنای گسترده آن^۱

ولایت مطلقه یا ولایت عامه، ولایتی است فراتر از قضاوت، در جهت اداره کشور و رسیدگی به امور امت در دو بعد مادی و معنوی. این معنا و مفهوم، قدر مشترک تفسیرها از ولایت مطلقه و عامه فقیه است.

آخوند خراسانی در اعلامیه‌ها و احکام حکومتی‌اش، بارها به منصب سوم اشاره کرده و خود و دیگر مراجع نجف را «رهبر شیعیان جهان» و یا «رئیس روحانی نهضت مشروطه» خوانده است و قانوناً و شرعاً پیروی از احکام حکومتیشان را لازم و واجب شمرده است؛ در حالی که در هیچ انتخاباتی به این سمت برگزیده نشده بودند.^۲ همچنین وی و دیگر مراجع همراه با وی در برخی نامه‌های یادشده (همان) اشاره کرده‌اند که این احکام را با توجه به همان جایگاه خود صادر کرد‌ه‌اند. مراجع ثلاثه نجف (آخوند خراسانی، مازندرانی و تهرانی)، نه تنها اطاعت از احکام سیاسی خود را بر همگان لازم و واجب می‌دانستند، بلکه هرگونه مخالفت با آن را محاربه با امام زمان ϕ و موجب خروج از جرگه مسلمانی ذکر می‌کردند.^۳

این دقیقاً مضمون همان روایاتی است که فقهای معتقد به ولایت و نیابت عامه فقیه، بدان استدلال کرده‌اند.^۴

متن ایشان در حواشی مکاسب متضمن نقد و بررسی ادله ولایت فقیه و دایره اختیارات اوست، اما ایشان در پایان در مقام جمع‌بندی، مسئولیت فقیه را قدر متیقن دانسته و غیر فقیه را در هنگام وجود او دارای چنین مشروعیتی ندیده و مشروعیت تصرف مؤمنان عادل را محدود به زمانی دانسته است که فقیه وجود نداشته باشد و در واقع آخوند خراسانی ولایت فقیه را از طریق دلیل عقلی اثبات می‌کند.

ایشان در حواشی خود بر کتاب «مکاسب»، نخست ادله لفظی ولایت فقیه را بررسی کرده و با

۱. آخوند خراسانی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۵؛ مؤیدالاسلام، ۱۳۲۷ق، سال ۱۶، ش ۴۳.

۲. آقانجفی قوچانی، ۱۳۷۸، ص ۴۱ و ۱۱۹؛ نظام‌الدین زاده، ۱۳۷۷، ص ۴۹؛ کدیور ۱۳۸۵، ص ۸۵، ۲۱۶، ۱۲۰، ۲۷۱، ۲۷۲ و ۲۷۳.

۳. مؤیدالاسلام، ۱۳۲۷، سال ۱۶، ش ۳۹، ص ۹ و ۱۰؛ همو، ۱۳۲۸، سال ۱.

ش ۱، ص ۱۳؛ کدیور، ۱۳۸۵، ص ۲۳۵؛ طباطبایی، ۱۳۲۵، ش ۹۳.

۴. تجلی ولایت مطلقه فقیه در سیره عملی آخوند خراسانی، محمدصادق مزینانی، حکومت اسلامی، سال شانزدهم، شماره اول، بهار ۹۰.

وجود طرح برخی نقدها، سرانجام و در مقام ابراز نظر نهایی، «ولایت فقیه» را به مثابه «قدر متیقن» معرفی نموده است. چه آنکه موضوع این تحلیل نهایی همان «ولایت فقیه» است که ادله لفظی آن را به صورت تفصیلی بررسی کرده بود و ایشان — بدون تغییر موضوع به مقوله‌ای متفاوت از ولایت — آن را مقتضای همان ادله روایی معرفی می‌کند که پیش از این جمع‌بندی نهایی، به بررسی انتقادی آنها دست زده است.^۱

به تصریح ایشان «اشکال دلالت روایات را بر ولایت استقلالی و غیر استقلالی [فقیه] دریافتی. اما این روایات موجب [و مقتضی] آن هستند که از میان کسانی که احتمال مباشرت یا اذن و نظر آنان هست، فقیه است که قدر متیقن می‌باشد، چنان که مؤمنان عادل در صورت فقدان فقیه قدر متیقن است».^۲

در جمع‌بندی می‌توان بیان داشت: منبع فقهی حاوی دیدگاه آخوند خراسانی درباره ولایت فقیه، حواشی ایشان بر بحث‌های ولایت فقیه از کتاب «مکاسب» شیخ انصاری است. بی‌تردید اعتبار این منبع علمی خدشه‌پذیر نیست و می‌تواند مبنای تحلیل ما از دیدگاه ایشان قرار گیرد. از مقایسه دو دسته منبع یادشده، این نتیجه به دست می‌آید که نمی‌توان اعتبار آنها را یکسان دانست؛ از این رو، بی‌تردید در تعارض محتوای این دو دسته، محتوای منابع فقهی ایشان مقدم است. چنان‌که امکان تبدل رأی از جانب آخوند خراسانی را نیز نمی‌توان بدون مستند کافی — و به صرف اشاره به برخی نقلیات تاریخی مبهم و قابل تفسیر و توجیهاات مختلف — پذیرفت. برخی از مباحث بعدی می‌تواند مؤید این نکته باشد.

در صورتی که بتوان وجه جمعی میان مطالب دو دسته منابع به دست آورد، نمی‌توان و نباید یکی را به نفع دیگری کنار نهاد؛ از این رو، به رغم یکسان نبودن اعتبار آن دو دسته و دشواری اعتماد بر مآخذ تاریخی‌ای که محصول غلبه جناح مشروطه‌خواه تند و احساسی است، باید محتوای آنها را نیز

۱. حاشیه بر مکاسب، آخوند خراسانی، ص ۹۶. «لکنها موجبه لكون الفقيه، هو القدر المتیقن من بین من احتمال اعتبار مباشرته او اذنه و نظره.»

۲. «قد عرفت الاشکال فی دلالتها علی الولاية الاستقلالیة، و الغير استقلالیة، لکنها موجبه لكون الفقيه، هو القدر المتیقن من بین من احتمال اعتبار مباشرته أو اذنه و نظره، كما ان عدول المؤمنین فی صورة فقده، یکون کذلک»

آخوند محمد کاظم بن حسین خراسانی، حاشیه مکاسب، چ ۱، تحقیق و تصحیح: سید مهدی شمس‌الدین، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۰۶ق، ص ۹۶

به مقایسه محتوایی گذاشت.^۱

۳. تعارض با سیره رفتاری و عملی که در تاریخ به صورت متواتر ثبت و ضبط

شده است

سیره عملی آخوند خراسانی در جریانات مشروطه موید اعتقاد ایشان به حاکمیت دین در عرصه سیاست و ولایت مطلقه فقیه است چرا که اقداماتی که ایشان انجام می‌دادند و دستور العمل‌هایی که صادر می‌نمودند صرفاً از جایگاه ولایت مطلقه صادر می‌شده است و گر نه اعتباری نداشته است. به عبارت دیگر کنشگری سیاسی آخوند خراسانی در عرصه سیاست و حکم به جهاد و مبارزه با استبداد و ... به دلیل حیثیت فقهی ایشان بوده است. در زیر تنها چند مورد از رفتارهای سیاسی و اجتماعی آخوند که قطعاً نشان دهنده عقبه فکری مستقر آن در اندیشه آخوند خراسانی بوده است را مرور می‌کنیم:

۱ - ۳. حکم به ارتداد صدر اعظم

میرزا علی اصغر خان اتابک صدر اعظم مظفرالدین شاه قدرتی بیشتر از شاه داشت و اداره مملکت عملاً بر دوش وی بود. در دوره مظفری، حکومت ایران دچار مفاسد بسیاری گشت. غربی‌ها و بابی‌ها به تبلیغ مرام غیر دینی خود می‌پرداختند و وضعیت رفاه، آبادانی و پیشرفت مملکت نیز بسیار آسف بار بود. که مراجع اربعه مشهور یعنی: «میرزا حسین خلیلی»، «شیخ محمد حسن مامقانی»، «ملا محمد شریانی» و «آخوند خراسانی» پس از جلسات بسیار و نامه نگاری‌های فراوان صلاح را در این دیدند که صدر اعظم را از صدارت خلع کنند. از این روی در سال ۱۳۲۱ ق اقدام به کافر خواندن وی نمودند و او نیز چاره‌ای جز کناره‌گیری از قدرت نداشت و از قدرت کناره‌گیری کرد.^۲

حکم به اجرای حدود، از جمله حکم ارتداد، از روشن‌ترین مصادیق احکام ولایی و حکومتی است. لذا همه فقهای که به اجرای حدود در روزگار غیبت باور دارند بر این مسأله خدشه‌ای وارد نکرده‌اند. آخوند خراسانی و دیگر مراجع در چند اعلامیه که از سوی آنان در این باره آمده است، از تعبیر «به ارتداد ملّی او حکم نمودیم» و یا «بر اساس تکلیف به ارتداد او حکم کردیم» استفاده نموده‌اند که

۱. ولایت یقینی و انحصاری فقیه، ذبیح الله نعیمیان، عضو هیئت علمی پژوهشگاه اندیشه سیاسی اسلام وابسته به دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، نشریه زمانه شماره ۲۱ - ۲۲
۲. اندیشه سیاسی آخوند خراسانی، سید ابوالحسن توفیقیان، گروه تاریخ اندیشه معاصر، بی تا، بی جا

دلالت بر باوری عمیق، نسبت به حکم ولایی دارد^۱.

۲-۳. صدور فتوای جهادی علیه استعمارگران

نیروهای روس که پس از گذشت ده ماه از افتتاح مجلس دوم، به هیچ روی حاضر به ترک کشور نبودند، آخوند را به ارسال تلگرافی به مجلس واداشت و طی فتوایی، استفاده از اجناس روسی در داخل کشور را تحریم کرد.

آخوند خراسانی و مازندرانی در ۸ ذیقعده ۱۳۳۹ ق تلگرافی به دولت انگلیس مخابره نمودند و در آن بطلان داعیه آزادی خواهی و دفاع از حقوق بشر انگلیس را با اشغال جنوب ایران در همدستی با روس متجاوز، اعلام داشتند.

آخوند به نشانه اعتراض و مخالفت با اقدامات روس و انگلیس در ایران، درس خود را تعطیل کرد و به منظور چاره‌جویی پیرامون حوادث پیش آمده، جلسات متعددی تشکیل داد و تصمیماتی همچون حرکت مراجع و علمای نجف و طلاب و عشایر عرب برای جهاد به سوی ایران اتخاذ کردند.

آنگاه آخوند فتوای مشهور جهاد خود را علیه روس خطاب به مؤتمن الملک (رئیس مجلس شورای ملی وقت) ارسال و اعلام نمود که خود همراه با مجاهدان عازم ایران خواهد شد تا در این جهاد مقدس شرکت کند. همچنین در نامه‌ای به علمای تبریز آنان را به ضرورت آموزش سلاح امر نمود و حکمی مبنی بر تحریم قطعی خرید و فروش کالاهای روسی صادر کرد.

آخوند، پس از اشغال شمال و جنوب کشور، با ارسال تلگراف‌هایی به مجلس، مجتهدان، عموم امرا و سرداران، رؤسای عشایر و طبقات مردم، اختلافات و جنگ‌های خانگی را سبب ضربه زدن به استقلال مملکت و اسلام دانست و مردم را به وحدت و یکپارچگی در مقابل دشمن بیرونی فراخواند و طی اعلامیه مشترکی اتفاق نظر همه مذاهب اسلامی را در صیانت از اسلام و دفع تجاوز دشمنان اسلام اعلام داشت.

همزمان با اشغال شمال ایران توسط قوای روس، اشغالگران ایتالیایی نیز به طرابلس غرب (لیبی) که از متصرفات عثمانی بود حمله‌ور شدند و پس از کشتار هزاران نفر از مردم بیگناه آنجا، آن سرزمین را تصرف کردند. آخوند خراسانی همراه با مازندرانی و شریعت اصفهانی، با صدور فتوای جهاد بر ضد اشغالگران ایتالیایی و روس، مسلمانان را به مقابله با آنها فراخواندند.

۱. حجت الاسلام والمسلمین محمدصادق مزینانی در بخشی از این مقاله به سیره عملی آخوند خراسانی، نشریه حکومت اسلامی / سال شانزدهم، شماره اول، بهار ۹۰

سرانجام آخوند تصمیم گرفت تا برای بیرون راندن روس‌ها از کشور و نظارت نزدیک به امور دولت و مجلس و جلوگیری از انحرافات پیش آمده به همراه حدود پانزده نفر از مجتهدان و علمای طراز اول نجف و در رأس گروه کثیری از مجاهدان به سوی ایران حرکت نماید. اما صبح روز حرکت به طور ناگهانی در نجف اشرف درگذشت. (۲۰ ذیحجه ۱۳۲۹ق) مرگ او طبیعی تلقی نشد و گفته شد عوامل روس و انگلیس او را به شهادت رساندند.^۱

حال آیا تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی و اجتماعی آخوند خراسانی با برخی سخنان منسوب به او از سوی اکبر ثبوت، مطابقت دارد؛ آیا می‌توان فردی را که چنین تصمیماتی در حوزه مداخله در سطح نظامی و مقابله با دشمن استعماری اتخاذ کرده باشد، سخنی همچون شبهه شماره هشت جزوه منقول از اکبر ثبوت را به این شرح مطرح کرده باشد:

(بسیاری از ما تصور نادرستی داریم و می‌پنداریم که چون چند کلمه فقه و اصول بلدیم، صلاحیت اشتغال به همه مشاغلی را داریم که لازمه تصدی هر یک از آنها تسلط بر یک یا چند رشته از علوم قدیم یا جدید است، و می‌توانیم جواب همه مسائلی را بدهیم که لازمه پاسخ‌گویی به هر یک از آنها تبحر در یک یا چند شاخه از دانش‌های پیشین یا امروزی است. از خاتم مجتهدین و استاد قاطبه فقها شیخ اعظم (شیخ مرتضی انصاری) بیاموزیم که با همه تسلط بی‌نظیر خود بر علوم دینی، هرگاه پرسشی در باب مسائل حکمی (فلسفی) از او می‌کردند می‌فرمود: «من وزیر داخله اسلام هستم این سؤال را از حاجی سبزواری بکنید که وزیر خارجه اسلام است.»

با این مقدمه اگر ما بخواهیم مناصب حکومتی را در دست بگیریم، لازم‌اش آن است که برای تمامی این مناصب، افرادی داشته باشیم که هم در حدود وظایف خود قوانین اسلامی را بدانند و هم متدین واقعی باشند و هم درس مدیریت خوانده و شیوه‌های مختلف اداره امور کشور را تعلیم گرفته باشند؛ وگرنه آن گاه ما حتی برای یک دهم مناصب موجود، افراد شایسته‌ای که هر سه شرط را داشته باشند نداریم. اگر هم به یکی دو شرط از این سه شرط اکتفا کنیم، نتیجه کار بسیار نامطلوب خواهد بود و اوضاع از این که هست، بدتر خواهد شد ...)

قطعا اگر آخوند خراسانی قائل به چنین سخنانی بوده است بهترین توجیه برای عدم ورود به صحنه‌های سخت و چالش‌زای درافتادن با حکومت‌های جور و حکومت‌های استعماری داشته است اما در سیره عملی ایشان نه تنها هیچ‌گونه محافظه‌کاری و عاقبت‌طلبی دیده نمی‌شود بلکه خود شخصا عازم میدان جنگ و جهاد می‌شود.

۱. علمای مجاهد، محمدحسن رجبی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران با دخل و تصرف

۳-۳. معرفی علمای طراز اول برای عضویت در مجلس

آخوند خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی در تاریخ سوم جمادی الاول ۱۳۲۸ هجری قمری، بیست نفر از فقها را به مجلس شورای ملی، جهت اجرای اصل دوم متمم قانون اساسی به شرح زیر معرفی کردند:

(چون به موجب فصل دوم از متمم قانون اساسی، رسماً مقرر است که برای مراقبت در عدم مخالفت قوانین موضوعیه با احکام شرعیه، بیست نفر از مجتهدین عدول عارف به مقتضیات عصر به مجلس محترم معرفی شود و پنج نفر یا بیشتر به اکثریت آراء یا قرعه از ایشان انتخاب نموده، به عضویت مجلس محترم بشناسند و اعضا و هیئت معظمه منتخبه را در این باب، مطاع و متبع دانسته، هر چه را اکثر از این هیئت مقدسه مخالف شریعت مطهره شمارند، به کلی الغا نموده، سمت قانونیت ندهند و به موقع اجرا نگذارند)^۱

دخالت در قوه مقننه و معرفی و نصب افرادی برای نظارت بر قانون گذاری از روشن ترین مصادیق حکم حکومتی است؛ به ویژه که ایشان در نامه یاد شده، پیروی از هیئت نظارت را در قلمرو کاری آنها لازم و واجب شمرده است.

آیا می توان باور کرد که آخوند خراسانی که این گونه به صورت عینی در مسائل سیاسی و حاکمیتی ورود پیدا کرده است، گفته باشد که اگر مردم احساس کنند ما برای قدرت کاری می کنیم حمایتشان از دین کم می شود! آیا عبارت زیر را می توان با اقدام عملی معرفی نماینده در مجلس جمع کرد:

بر اساس جزوه شبهات ثبوت، یازدهمین شبهه این است که:

(عامه مردم تا وقتی احساس کنند که هدف ما از فعالیت و مبارزه، صرفاً تقلیل ظلم و تحدید دامنه فساد است، و قصدمان این نیست که به قدرت و مقام و امتیازات دنیوی دست یابیم، یا فرد و گروه خاصی را به قدرت و مقام برسانیم، باری تا وقتی که مردم ما را این گونه بشناسند، معتقد خواهند بود که ما در عمل خود اخلاص داریم و کارهایمان لله و قربتاً الی الله است، و به دلیل همین اعتقاد به دنبال ما می آیند و خواسته ها و گرفتاری های ما را حتی مهم تر

۱. ۱۳-۱۶ ص، ج ۱، ۱۳۷۴، حائری

از خواسته‌ها و گرفتاری‌های خود تلقی می‌کنند. و به خاطر پشتیبانی از ما و تحقق هدف‌های ما از جان و دل می‌کوشند و هرگونه سختی و فداکاری را بر خود هموار می‌کنند. ولی اگر احساس کنند ما پا به صحنه جنگ قدرت نهاده-ایم و هدفمان این است که خود به قدرت و مقام و امتیازات دنیوی برسیم، یا بستگان و وابستگانمان را به قدرت و مقام و امتیازات دنیوی برسانیم، اعتقادشان به خلوص نیت ما سست می‌شود.

... علاوه بر این که در این سال‌های اخیر، با ورود ما به صحنه مبارزه با ستم، افکار عمومی در ایران و خارج از ایران، روحانیت و مرجعیت شیعه و بلکه اصل تشیع و اسلام را به عنوان حامی ستم‌دیدگان و ضعیفان شناخته و این بهترین تبلیغ برای مکتب و مذهب ماست. و اگر ما جهت مبارزه را به طرف اشغال مناصب حکومتی و جنگ قدرت تغییر دهیم، موقعیتی که برای تبلیغ به وجود آمده، از دست می‌رود و بهترین موقعیت برای مخالفان و دشمنان فراهم می‌آید که بگویند همه دعوای ما بر سر لحاف ملا بوده؛ بعد هم کار به جایی می‌رسد که با تکیه بر ضعف‌های ما و عملکردهای ناصوابی که در قلمرو حکومت ما وجود خواهد داشت، دین و مذهب ما را بکوبند.

حکم به تعلیم و تعلم قواعد جنگ، درخواست تدوین قانون نظام، حکم اصلاح مشروطیت، حکم به منع از منکرات و اجرای حدود، حکم به اصلاح یا تعطیلی مطبوعات فاسد، حکم به حرمت تخطی از قوانین مشروطیت حتی برای شاه (در پاسخ به نامه محمدعلیشاه، توسط سیدین بهبهانی و طباطبایی، جمادی الاول ۱۳۳۶) حرمت اغتشاش، اختلاف و جنگ داخلی، لزوم رعایت ضوابط قضاوت شرعی و عدم تقلید از بیگانگان)^۱ از دیگر عرصه‌های کنشگری سیاسی آخوند خراسانی است که استناد این سنخ شبهات به آخوند خراسانی را نفی می‌کند.

خلاصه مطلب آقای ثبوت - چه در این بخش (فصل دوازدهم کتاب "گفتگوهای موافقان و مخالفان مشروطه") و چه در بحث مناظره آخوند با مرحوم میرزای نائینی این است که تشکیل حکومت دینی از دیدگاه آیت الله آخوند خراسانی مطلوب نبوده و باید از اقدام به آن پرهیز کرد، ولی پاسخ این سؤال داده نمی‌شود که اگر مرحوم آخوند مخالف تأسیس این نوع حکومت بود، پس به چه دلیل برای تشکیل «مشروطه» اقدام کرد؟ و چرا آن همه نامه و بیانیه و تلگراف به اکناف عالم و ایران فرستاد؟ آیا حکومت مشروطه‌ای که مرحوم آخوند هوادار تأسیس آن بود، نوعی حکومت دینی

۱. آقاجفی قوچانی، برگی از تاریخ معاصر، حیاة الاسلام فی احوال آیه‌الملك العلام، به تصحیح ر.ع. شاکری، تهران: هفت، ۱۳۷۸.

نبود؟ نکته‌ای که ذکر آن ضروری است این است که با کمال تأسف جناب مؤلف محترم افکار و اندیشه‌های خود را بنا بر مصالحی! به روایت از بزرگانی چون آیت الله آخوند خراسانی نقل می‌کند ... ای کاش مؤلف محترم به عنوان یک فرد مستقل، افکار و اندیشه‌های خود را آن طور که لازم بود مطرح می‌کرد و با استشهاد به منقولات لااقل مشکوک! ارزش اثر خود را از بین نمی‌برد و ضایع نمی‌ساخت.^۱

این گونه نقش آفرینی آخوند خراسانی در عرصه سیاسی و حاکمیتی، صدور فتوای سیاسی، ورود در عرصه‌های حاکمیتی، نقد و اعتراض به شرایط حاکم و برگزاری جلسات و هدایت مومنین در صحنه سیاسی از آخوند خراسانی یک فقیه کاملاً سیاسی جلوه می‌دهد. فقیه‌ی که در عین وزانت علمی در حوزه‌های علمیه، از هدایت‌گری سیاسی مردم و ایفای نقش اجتماعی غافل نیست و علاوه بر مسند فتوا و قضاوت، در عرصه حکومت هم که در روزگار غیبت از شوون فقیه جامع‌الشرایط می‌باشد، حضور جدی داشته است. شک آخوند خراسانی و دو همراهش حاجی محمد حسین طهرانی نجل میرزا خلیل و شیخ عبدالله مازندرانی نخستین عالمان شیعی هستند که این همه حکم سیاسی صادر کرده‌اند. این میزان فعل و قول سیاسی به جا مانده در هیچ یک از علمای پیشین سابقه ندارد.

۳. تنافی با شان علمی و ادبیات رایج زمان آخوند

مشهورترین اثر آخوند خراسانی، کتاب «کفایه الاصول» است که از مشهورترین کتاب‌های اصولی عصر حاضر و دربرگیرنده نظریات اصولی آخوند خراسانی است. وی در این کتاب به نقد و بررسی مسائل علم اصول توجه دارد و با عباراتی کوتاه و دقیق و کلماتی محدود، به طرح معانی فراوان و نظریاتی عمیق می‌پردازد؛ نظریاتی که فهم و درک آن، حوزه‌های علمیه عراق، ایران و مناطق دیگر را به خود مشغول داشته است. این کتاب پایان دوره سطح در حوزه‌های علمیه است و موضوعات آن، محور درس خارج اصول قرار می‌گیرد، اما در مباحث منتسب به آخوند خراسانی برخی استدلال‌ها بسیار سطحی و نشان‌دهنده عدم تسلط فرد به مبانی معرفتی اسلام است. به عنوان نمونه قدرت در تمامی جزوه انتسابی اکبر ثبوت به آخوند خراسانی، شر مطلق توصیف می‌شود و توصیه می‌شود که روحانیت به این عرصه ورود نکنند تا بدنام نشوند و در واقع تجویزی برای واگذاری عرصه به روشنفکران و دگر اندیشان و سلطه‌گران و استعماگران است. اشکالاتی کلی که ناشی از عدم فهم

۱. استاد سید هادی خسرو شاهی، باره مشروطه مشروعه و علمای تبریز، انتشارات کلبه شروق قم، ص ۵۹ و ۶۰، بهار ۱۳۹۶

واقعیت‌های تاریخی دین اسلام حتی در حکومت عینی نبی مکرم اسلام α و امیرالمومنین β است، چرا که اشکال عدم دوام قدرت‌ها و مشکل فساد منسوبین در حکومت معصومین β هم وجود دارد که موید آن حکومت ۵ ساله امیرالمومنین β و نامه امام علی β به کارگزارش عثمان بن حنیف مبنی بر پرهیز از نشست و برخاست با اشراف، نشانه‌ای از آن است.

در جزوه انتسابی اکبر ثبوت به آخوند خراسانی، ۸۸ بار کلمه "مردم" و ۱۵ بار کلمه "عامه" ذکر شده است که اگرچه توجه به مصالح مردم و احتیاجات دینی و دنیوی مردم قطعاً صحیح است اما نقش عالمان دینی و مصلحان اجتماعی اثرگذاری بر مردم و هدایت‌گری است که در این جزوه نه تنها اثرگذاری مشهود نیست بلکه بسیاری از مصالح و منافع دین از نظر توده مردم ارزیابی می‌شود و در مسیر ادامه نگاه عرفی توده مردم حرکت می‌کند؛ مجموعه مطالب منتسب به آخوند نه تنها تلاش نمی‌کند که نگاه مردم را به برخی امور از جمله تفکیک قدرت مشروع و نامشروع، تمایز میان عالمان درباری و فقیهان استعمار و استکبار ستیز عوض کند بلکه از ترس نگاه مردم یا ایجاد بدبینی در مردم، از استقرار دین در کانون قدرت تنزل می‌کند.

تعارضات داخلی این جزوه هم کم نیست، از باب نمونه در ابتدای این جزوه آمده است "گرچه تشکیل حکومتی مبتنی بر علایق دینی شیعی که در رأس آن علما باشند - و نیز اجرای کلیه قوانین شرع از جمله درمورد مخالفان اسلام و تشیع - برای ما کمال مطلوب است" و در ادامه بیست و چند اشکال مطرح می‌شود و می‌گوید: (طرف دیگر هم باتوجه به مبانی نظری و هم باتوجه به تجربه‌های تاریخی و هم مهم‌تر از همه، معصوم نبودن حکام، برپایی حکومت شرعی حقه برای ما ممکن نیست)

یا اینکه این چه مطلوبی است که از نظر شما این مقدار (در حدود بیست اشکال) آفت دارد. سطحی بودن برخی استدلال‌ات و فاصله زبانی میان ادبیات امروزی با ادبیات دوران مشروطه از دیگر اشکالاتی است که به گزارش اکبر ثبوت وارد شده است به این معنا که نه تنها مباحث از استدلال کافی برخوردار نیست بلکه نوع واژگان و کلمات به ادبیات امروز شبیه‌تر است. استفاده از کلماتی همچون مبانی نظری، دعوای ما بر سر لحاف ملا بوده، دایره ستم، توسعه، به زودی ورق برمی‌گردد، خواسته غیرواقع‌بینانه، درس مدیریت خوانده، رکود علمی، افکار عمومی در ایران، مشاغل حکومتی، سنگ را کوچک تر برداریم و ... که در ادبیات امروزی بیشتر کاربرد دارد در این نوشته موج می‌زند.

این اشکال به گونه‌ای است که خود آقای ثبوت از قول برخی افرادی که مطالب و گزارش‌های

ایشان را خوانده‌اند، نوشته است: «این حرف‌ها به آخوند و به روزگار او نمی‌خورد و متعلق به روزگار ماست». در واقع مطالب یادشده را کسانی می‌توانند مطرح کنند که انقلاب اسلامی، دوره جمهوری اسلامی و حاکمیت سیاسی فقها را درک کرده و با برخی نواقص و اشکالات این نظام روبه‌رو شده باشند.

علاوه بر اینکه در گزارش اکبر ثبوت از اندیشه‌های آخوند خراسانی نه تنها لسان فقهی مطرح نیست بلکه اشکالات مربوط به پسا رخداد یعنی مربوط به اشکالاتی است که اگر یک حکومت ایجاد شود ممکن است پیش آید، لذا در جزوه منسوب به آخوند، بیست و نه بار کلمه "هدف" استفاده شده است که نگاه کارکرد گرایانه و آسیب شناسانه را نشان می‌دهد. توضیح اینکه فقیهان در بحث مشروعیت و یا عدم مشروعیت نگاهشان به منابع اسلامی است و در صدد هستند تا از دل آیات و روایات و عقل و اجماع، چگونگی حکم یک واقعه را پیدا کنند اما در مطالب مستند شده به آخوند، استدلالی فقهی یافت نمی‌شود بلکه از منظر آسیب‌شناسی اجتماعی و سیاسی برخی پیامدهای احتمالی بررسی شده است.

همچنین می‌توان بیان داشت که نوع شبهات مطرح شده از سوی علی اکبر ثبوت بر فرض محال صحت استناد به آخوند خراسانی نشان دهنده برداشت وی از شرایط آن روز است که آخوند در یک شرایط تاریخی ناظر به مسائل آن دوره سخنی گفته است و فتوای فقهی او نیست، این تحلیل اجتماعی است که برای امروز ما حجیت ندارد و ممکن است درست گفته باشد و ممکن است غلط باشد. حتی اگر درست هم گفته باشد، برای این شرایط نیست که بخواهیم آن را به همه زمان‌ها تعمیم دهیم. به عبارت دیگر این مباحث در نهایت می‌تواند تفسیر اجتماعی آخوند از شرایط ۱۰۰ سال پیش را نشان دهد و امروز با توجه به تغییر بافت اجتماعی و سیاسی زیست بوم‌ها و تغییرات استراتژیک دولت و ملت‌ها و نگاه‌های ژئوپولیتیکی به مباحث حاکمیتی از مدار گفتگو خارج است. سخن‌های آخوند ناظر به محیط زمان خود هست؛ حتی ناظر به محیط بعد از رضاخان هم نیست و معلوم نبود که اگر آخوند آنجا بود چه می‌گفت و چگونه رفتار می‌کرد.

در این صورت نقد دیدگاه‌های اجتماعی مرحوم آخوند یا شیخ فضل الله و دیگران اصلاً فتوایی نیست، بلکه دعوای شناخت شرایط محیطی و اجتماعی است. لذا این حرف‌های آخوند اصلاً منافاتی با آن فتوایش ندارد که بگوییم که آخوند قایل به ولایت در حد امور حسبه یا ولایت مطلقه یا ولایت عامه نبود.

در این صورت باید فتوای آخوند را یک جا قرار دهیم، بحث‌های تحلیل اجتماعی او را یک جا

قرار دهیم، نقد فتوای او را فتوایی و نقد تحلیل اجتماعی او را با تحلیل اجتماعی انجام دهیم

نتیجه‌گیری

بررسی مطالب مشکوک نقل شده از قول اکبر ثبوت در انتساب به آخوند خراسانی با آنچه به صورت مسلم از آخوند خراسانی در کتب، نامه‌ها و سیره عملی از او نقل شده است در تعارض است. کیفیت و چگونگی نقل مطالب پس از گذشت یک قرن آن هم به صورت شفاهی و از نقل واحد، تعارض با منبع فقهی حاوی دیدگاه آخوند خراسانی درباره ولایت فقیه که حواشی ایشان بر بحث‌های ولایت فقیه از کتاب «مکاسب» شیخ انصاری است، تعارض با سیره رفتاری و عملی سیاسی و اجتماعی که در تاریخ به صورت متواتر از آخوند خراسانی ثبت و ضبط شده است، سطحی بودن برخی استدلالات و فاصله زبانی میان ادبیات امروزی با ادبیات دوران مشروطه از دلایلی است که انتساب مطالب ثبوت به آخوند خراسانی را با تردید جدی مواجه می‌سازد. در نتیجه ارجاع کتب و مقالات در توصیف و تبیین نظرات آخوند خراسانی به مطالب ثبوت غیرعلمی و غیر قابل دفاع است.

منابع

۱. آخوند محمد کاظم بن حسین خراسانی، *حاشیه‌ی المکاسب*، ج ۱، تحقیق و تصحیح: سید مهدی شمس‌الدین، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۰۶ق، ص ۹۶
۲. آقاجنقی قوچانی، برگی از تاریخ معاصر، *حیاء الاسلام فی احوال آیه‌الملك العلام*، به تصحیح ر.ع. شاکری، تهران: هفت، ۱۳۷۸.
۳. بخاری، عبدالعزیز بن احمد، *کشف الاسرار عن اصول فخرالاسلام البزدوی*، ج ۴، ص ۱۱۰، بیروت ۱۴۱۸/۱۹۹۷.
۴. پایگاه دانشنامه جهان اسلام، بازیابی شده به نشانی <http://rch.ac.ir/person/profile?id=571>
۵. توفیقیان، سید ابوالحسن، *اندیشه سیاسی آخوند خراسانی*، گروه تاریخ اندیشه معاصر، بی تا، بی جا
۶. جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، *گلشن ابرار*، خلاصه ای از زندگی اسوه های علم و عمل از ثقة الاسلام کلینی تا آیت الله خامنه‌ای، زیر نظر پژوهشکده باقرالعلوم وابسته به سازمان تبلیغات

مناسبات دین و سیاست در تفکر و سیره عملی آخوند خراسانی ... □ ۱۵۳

اسلامی، نشر معروف، قم ۱۳۸۴.

۷. جوادزاده، علیرضا، *حاکمیت سیاسی فقیهان از دیدگاه آخوند خراسانی*، موسسه آموزشی و

پژوهشی امام خمینی *ت*. و مجله (نشریه) حکومت اسلامی شماره تابستان ۱۳۸۹ - شماره ۵۶

۸. حلی، حسن بن یوسف علامه، *تهذیب الوصول الی علم الاصول*، ج ۱، ص ۲۷۸، چاپ

محمدحسین رضوی کشمیری، لندن ۱۴۲۱/۲۰۰۱.

۹. خبرگزاری فارس، بازیابی شده در نشانی

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=۸۷۰۶۰۵۰۶۹۱>

۱۰. خسرو شاهی، سید هادی، *درباره مشروطه مشروعه و علمای تبریز*، انتشارات کلبه شروق قم، ص

۵۹ و ۶۰، بهار ۱۳۹۶

۱۱. دریاییگی، محسن *حیات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آخوند خراسانی*، انتشارات موسسه

تحقیقات و توسعه علوم انسانی، تهران، ۱۳۸۶ ص ۵۰۹ - ۶۰۴

۱۲. رجیبی، محمدحسن، *علمای مجاهد*، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران

۱۳. سحر خیز، عیسی، *ماهنامه آفتاب*، اردیبهشت ۱۳۸۲ شماره ۲۵

۱۴. صافی گلپایگانی، لطف الله در دیدار معظم له با برگزار کنندگان کنگره آخوند خراسانی، ویژه نامه،

ص ۵۹

۱۵. غزالی، محمد بن محمد، *المستصفی من علم الاصول*، ج ۲، ص ۴۷۲، چاپ محمد سلیمان اشقر،

بیروت ۱۴۱۷/۱۹۹۷.

۱۶. مزینانی، محمدصادق، در بخشی از این مقاله به سیره عملی آخوند خراسانی، نشریه حکومت

اسلامی / سال شانزدهم، شماره اول، بهار ۹۰

۱۷. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، در دیدار با برگزار کنندگان کنگره بزرگداشت آخوند

خراسانی، ویژه نامه این همایش، پاییز ۱۳۹۰

۱۸. مؤیدالاسلام، *حبل المتین کلکته*، سال ۱۶، ش ۳۹، ۱۳۲۷ ش.

۱۹. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن، *القوانین المحکمه*، ج ۲، ص ۲۷۱، ج ۲، چاپ احمد مؤید

العلماء، چاپ سنگی (بی جا) ۱۳۱۹.

۲۰. ناصری مقدم، حسین، *نقدنامه منسوب به آخوند خراسانی در رد ولایت فقیه*، عضو هیئت علمی

۱۵۴ □ فصلنامه علمی - پژوهشی انقلاب اسلامی، س ۶، زمستان ۹۶، ش ۲۳

دانشگاه فردوسی مشهد، فصلنامه حوزه، ش ۱۶۲

۲۱. نائینی، محمدحسین. *تنبيه الامه و تنزيه المله*. تصحيح سيد جواد ورعى. چاپ اول. قم: بوستان

کتاب، ۱۳۸۲. صفحه ۱۱ - ۱۲.

۲۲. نعیمیان، ذبیح الله، *ولایت یقینی و انحصاری فقیه*، عضو هیئت علمی پژوهشگاه اندیشه سیاسی

اسلام وابسته به دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، نشریه زمانه شماره ۲۱ - ۲۲

